

بازساخت واقعیت‌گریزی و تحلیل عنصر بزرگنمایی در اشعار شفیعی کدکنی

علی سلیمانی کوجانی، قربانعلی ابراهیمی*، مرتضی رشیدی آشجردی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

سال هفدهم، شماره دوم، خرداد ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۷، صص ۱۱۹-۱۲۲

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.17.7296

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: واقعیت‌گریزی، فرایندی زبانی مبتنی بر فرار از واقعیت است که اغلب در آثار ادبی، بویژه شعر، جلوه‌گر میشود. در کتب بلاغی سنتی فارسی، از واقعیت‌گریزی صحبتی به میان نیامده؛ اما بتفصیل به یکی از ابعاد آن یعنی بزرگنمایی در ذیل عناوینی چون اغراق و مبالغه و غلو پرداخته شده است. در این مقاله عناصر بزرگنمایی در شعر شفیعی کدکنی بررسی شده است.

روش پژوهش: روش این پژوهش، توصیفی و تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است. جامعه آماری تحقیق، مجموعه اشعار «طفلی به نام شادی» میباشد.

یافته‌ها: نمونه‌های واقعیت‌گریزی در شعر شفیعی کدکنی در سطح زبانی و سطح ادبی، با بزرگنمایی دیده میشود. در سطح زبانی، با کاربرد صفت‌ها، قیدها، شبه جمله و در سطح ادبی با کاربرد تشبیه، استعاره، کنایه، تضاد، تناقض، تکرار در بیان مفاهیمی همچون توصیف پدیده، وصف اندوه، بزرگنمایی کرده است. مهمترین ویژگی سبکی شعر او این است که وی با آمیختگی سطح زبانی و ادبی، به تلفیق شاعرانه دست یافته است.

نتیجه‌گیری: واقعیت‌گریزی در اشعار شفیعی کدکنی اغلب در بُعد بزرگنمایی بازتاب یافته است. بزرگنماییها در شعر شفیعی کدکنی به کمک اسمها و صفتها و شبه‌جمله‌ها و قیدهای خاص در تلاقی با آرایه‌های بیانی و بدیعی رخ داده‌اند و درهم‌آمیختگی آنها با یکدیگر سبب خیال‌انگیزی بیشتر، التذاذ هنری ژرفتر، عواطف و احساسات غلیظتر و زیبایی دوچندان در خواننده شده است.

تاریخ دریافت: ۰۳ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۰۵ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۲۱ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۶ آبان ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

واقعیت‌گریزی، بزرگنمایی، سطح زبانی، سطح ادبی، شفیعی کدکنی

* نویسنده مسئول:

Gh.ebrahimi@phu.iaun.ac.ir

۴۲۲۹۲۹۲۹ (۰۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Recognizing Realism and analyzing the element of exaggeration in Shafii Kodkani's poems

A. Soleimani Kojani, G.A. Ebrahimi*, M. Rashidi Ashjardi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 25 July 2023
Reviewed: 27 August 2023
Revised: 12 September 2023
Accepted: 28 October 2023

KEYWORDS

Eschewing reality, zooming in, zooming out, contemporary poetry, Mohammad Reza Shafiei Kodkani.

*Corresponding Author

✉ Gh.ebrahimi@phu.iaun.ac.ir

☎ (+98 31) 42292929

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Realism is a language process based on escaping from reality, which is often manifested in literary works, especially poetry. In traditional Persian rhetorical books, there is no mention of realism; However, one of its dimensions, that is, magnification, has been discussed in detail under the headings such as exaggeration, exaggeration, and exaggeration.

METHODOLOGY: The method of this research is descriptive and analytical based on library studies. The statistical population of the research is the collection of poems "A Child Named Happiness".

FINDINGS: Examples of evasion of reality in Shafi'i-Kadkani's poetry can be seen with magnification at the linguistic and literary levels. On the linguistic level, by using adjectives, adverbs, pseudo-sentences, and on the literary level, by using simile, metaphor, irony, contrast, contradiction, repetition in expressing concepts such as description of phenomenon, description of grief, it has been magnified. The most important stylistic feature of his poetry is that he has achieved a poetic fusion by combining the linguistic and literary levels.

CONCLUSION: Reality avoidance in Shafi'i-Kadkani's poems is often reflected in the aspect of exaggeration. Exaggerations in Shafi'i-Kadkani's poetry have occurred with the help of nouns and adjectives, pseudo-clauses and special adverbs in the intersection with expressive and original arrays, and their intermingling with each other has caused more imagination, deeper artistic taste, more concentrated emotions and feelings and double beauty in the reader.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.17.7296](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7296)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 3	 0

مقدمه

شعر بستری برای گریز از واقعیت به کمک خیال‌پردازیه‌ها و عواطف و احساسات است. شاعر با دخل و تصرف در پدیده‌ها، آنها را فراتر یا فروتر از آنچه هستند، نشان می‌دهد و بدین ترتیب، جهانی را که خود در نظر دارد، می‌آفریند. اینکه شاعر در چه موقعیت اجتماعی و وضعیت عاطفی و بافت متنی قرار دارد، در بیش و کم بازتاب واقعیت‌گریزیها تأثیرگذار است. یکی از نمونه‌های واقعیت‌گریزی کاربرد آرایه‌های ادبی است «شگردها و صنایع ادبی، بیانی و بلاغی به معنای سنتی و جدید آن بخشی از وظیفه‌توانمند کردن زبان شاعرانه را بر عهده دارند» (یوسفی و بختیاری، ۱۳۹۶: ۱۶۴). شاعران زبان را به گونه‌ای به کار میگیرند که از واقعیت فاصله بگیرند. این فرایند اصطلاحاً «واقعیت‌گریزی» نامیده میشود. «واقعیت‌گریزی حرکت زبان را از جهان واقعیت‌های اطراف به سمت و سوی یک جهان ممکن نشان میدهد و هر انتخابی باعث شود درک در جهان ممکن غیر از جهان واقعیت صورت پذیرد، تابع فرایند واقعیت‌گریزی است» (ایزدی، ۱۳۹۳: ۱۶۵). واقعیت‌گریزی عمدتاً در متون خلاق ادبی یعنی شعر یا نثر ادبی که مجال برای پرواز خیال میسر است، عیان میگردد و در پیوند با دیگر آرایه‌های ادبی منجر به زیبایی‌آفرینی و هنجارگریزی میشود. «گریز از هنجارها اگر عالمانه، زیبا و هنجارمند اتفاق بیفتد، گذشته از شکوفایی و بالندگی و استمرار حیات شعر، به غنای زبان نیز کمک میکند. به عبارت دیگر نوعی داد و ستد میان زبان و ادبیات وجود دارد، شاعران و نویسندگان موفق از زبان میگیرند و به آفرینش میپردازند و سپس همان آفریده‌ها در خدمت زبان قرار میگیرند و زبان را بارور میسازد» (روحانی و عنایتی، ۱۳۸۸: ۶۷) در سنت ادبی و کتابهای مرتبط با بلاغت، واژه‌های اغراق، غلو و مبالغه یکی از مصادیق واقعیت‌گریزی است که امروزه با عنوان «بزرگنمایی» مطرح است. شاعران ادب فارسی از انواع بزرگنمایی استفاده کرده‌اند که میتوان با بررسی آن، گونه‌های واقعیت‌گریزی را در سبک شعر آنها بررسی کرد.

شفیعی‌کدکنی از شاعران برجسته معاصر است که از اغلب ظرفیتهای و ابزارهای زبان برای بزرگنمایی مفاهیم شعرش بهره برده است. بزرگنمایی در بیان مسائل اجتماعی و توصیف دردهایی که شاعر با مشاهده مشکلات مردم تجربه میکند، خود را نشان داده است. در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی، در مجموعه «طفلی به نام شادی» گونه‌ها و شگردهای مختلف شاعر در فرآیند واقعیت‌گریزی تحت عنوان اصلی بزرگنمایی بررسی و تحلیل شده است.

پیشینه تحقیق

در معرفی اغراق در کتاب‌های بلاغی کهن به تفصیل سخن رفته و عمدتاً سه عنوان مبالغه، غلو و اغراق با یکدیگر مقایسه شده‌اند. خود شفیی‌کدکنی در کتاب «صورخیال در شعر فارسی» اغراق را یکی از مایه‌های اصلی خیال در شعر فارسی معرفی کرده و سیرتوجه به این آرایه را در متون بلاغی کهن بررسی نموده است. کمالی نهاد و احمدی (۱۴۰۰) در مقاله «سیر تاریخی و تطبیقی اغراق در بلاغت عربی و فارسی» سیر تاریخی بحث اغراق را در متون کهن بررسی کرده‌اند. اما در این پژوهش، اغراق به واقعیت‌گریزی و بزرگنمایی ارتباط داده نشده است. در بحث بزرگنمایی، کورش صفوی (۱۳۹۴) در فصل هفتم کتاب «از زبان‌شناسی به ادبیات (شعر)» به تبیین جایگاه اغراق و واقعیت‌گریزی در ارتباط با یکدیگر پرداخته است. ایزدی در مقاله «بررسی فرآیند واقعیت‌گریزی در زبان خودکار فارسی» (۱۳۹۳) کوشیده تا آنچه را در قالب فرآیند واقعیت‌گریزی زبان فارسی در مطالعه معنایی زبان فارسی مطرح‌شدنی است با سنت مطالعات ادبی پیوند دهد و نموده‌هایی از آن را که در زبان روزمره وجود دارد،

طرح و طبقه‌بندی کند. این مقاله صرفاً به موضوع واقعیت‌گریزی و انواع و شیوه‌های آن پرداخته و مقوله بزرگنمایی را بررسی نکرده است.

در ارتباط با بررسی شعر شفیعی کدکنی که جزو شاعران برجسته ادبیات معاصر است، پژوهش‌های متعددی نوشته شده است. در بحث بزرگنمایی با این عنوان، پژوهشی مشخص چاپ نشده است اما در بررسی صورخیال شعر وی، مبارک و حیدری نسب (۱۳۸۹) در مقاله «صورخیال در شعر شفیعی کدکنی» انواع صورخیال را در شعر او بررسی کرده‌اند و در بحث اغراق گفته‌اند در شعر شفیعی جایگاهی ندارد (همو: ۱۰۹).

حاجی‌زاده و گوژل بهمن (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی و تحلیل هنجارگریزی در شعر شفیعی کدکنی و بدرشاگرد سیاب» آشنایی‌زدایی را در شعر شفیعی کدکنی بررسی کرده‌اند. پهلوان نژاد و ظاهری بیرگانی (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی هنجارگریزی در شعر شفیعی کدکنی بر مبنای الگوی لیچ» به بررسی هشت نوع هنجارگریزی اعم از اوایی، زمانی، سبکی، گویشی، معنایی، نحوی، نوشتاری و واژگانی در اشعار شفیعی کدکنی پرداخته و هنجارگریزی را یکی از شگردهای برجسته در اشعار وی دانسته‌اند. در این پژوهشها، موضوع هنجارگریزی در کانون توجه قرار گرفته و به مقوله بزرگنمایی که موضوع محوری این تحقیق است، پرداخته نشده است. در ارتباط با بررسی اغراق با دیگر آرایه‌های ادبی، اعلاء (۱۴۰۰) مقاله «درآمیختن اغراق با ترفندهای دیگر ادبی» را چاپ کرده است و نمونه‌های مختلف از اشعار فارسی را آورده است.

با توجه به این پیشینه میتوان گفت این موضوع در شعر شفیعی کدکنی مورد بررسی قرار نگرفته و ضرورت پژوهش در همین نکته است که شیوه شاعری شفیعی کدکنی در ارتباط با بزرگنمایی با دیگر آرایه‌ها مورد بررسی قرار بگیرد.

بحث و بررسی

واقعیت‌گریزی و بزرگنمایی

واقعیت‌گریزی فاصله‌گرفتن «مدلول» زبانی از «مصدق» جهان خارج است. آنچه معمولاً در زبان نثر معیار رخ میدهد، حرکت مدلول به سمت مصداق است که در بیان از نقش ارجاعی زبان استفاده میشود؛ اما در زبان ادبی (شعر) معمولاً مدلول از مصداق دور میشود و این ویژگی ذاتی شعر به شمار می‌آید. به گفته صفوی «همین فاصله‌گرفتن مدلول زبانی از مصداق جهان خارج است که «واقعیت‌گریزی» نامیده میشود و شالوده شعر به حساب می‌آید» (صفوی، ۱۳۹۴: ۱۵۹) واقعیت‌گریزی عمدتاً در بُعد «بزرگنمایی» جلوه‌گر میشود که در بلاغت ما با عنوان اغراق از آن یاد شده است، «اصطلاح بزرگنمایی اصطلاحی پوششی است که اغراق، مبالغه و غلو را شامل میشود. در بزرگنمایی سعی بر آن است تا مدلول از بار عاطفی قوی‌تری نسبت به مصداق برخوردار شود» (همان: ۱۶۱) آن است که سخنور چیزی یا کسی را چنان بازنماید که خرد آنرا بپسندد و روا بدارد لیک در زندگی و در آزمونهای انسانی چندان ننگند و نمونه‌ای نداشته باشد» (کزازی، ۱۳۸۱: ۱۵۱)

بزرگنمایی در زیبایی کلام، انتقال اندیشه و تأثیرگذاری بر مخاطب مهم است «شاید مهمترین عاملی که تأثیر جادویی به سخن میبخشد، بزرگنمایی است یعنی چیزی را بزرگتر از آنچه هست نشان دادن برای قدرت تأثیر بخشیدن به کلام. این بزرگنمایی به هر میزان که باشد دروغ نیست؛ بلکه شگردی است برای تأثیر بخشیدن زبان خبر برخلاف زبان بلاغی که فقط جنبه اطلاع‌دهندگی دارد و فاقد قدرت تأثیر است. عده‌ای از علمای بلاغت انواع

مبالغه را به جهت ناممکن بودن آن، دروغ میدانستند و ناپسند؛ ولی اکثرشان دروغ میدانستند و زیبا. علمای بلاغت در این مورد به تفاوت کلام عاطفی و خبر پی نبرده بودند؛ بنابراین به مبالغه در شعر، که کلام انشایی و عاطفی است از دید خبری نگریسته و به همین دلیل آن را کذب میپنداشتند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

در شناخت اغراق در متون مختلف، تعاریف مختلفی آمده است. اغراق در اصطلاح، «آن است که در توصیف کسی یا چیزی یا حالتی به قصد تأثیر بیشتر، افراط و زیاده‌روی شود و تصویری به وجود آید؛ از این رو زیبایی یا قابل تأمل بودن اغراق را نه تنها دوری یا نزدیکی آن به واقعیت بلکه زیبایی و تناسب تصویری و نیز توانایی شاعر در ممکن جلوه‌دادن محال تعیین میکند» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۵) در تفاوت اغراق با غلو و مبالغه آمده است. چنانکه «اگر وصف عقلاً و عادتاً ممکن باشد به آن مبالغه یا تبلیغ میگویند و اگر عقلاً ممکن اما عادتاً محال باشد به آن اغراق گویند؛ اما اگر عقلاً و عادتاً ممتنع باشد غلو نام دارد» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۸۴).

در زمینه حدود و ثغور آن در متون، میان پژوهشگران اختلاف نظرهایی به چشم میخورد. برخی اغراق را به سبب آنکه چشم مخاطب را بر روی واقعیت مینهد، نپذیرفته‌اند؛ اما برخی دیگر برآنند که همین فاصله‌گیری از حقیقت نشانه ذوق هنری است. دسته‌ای دیگر اغراق در حد معقول و معمول را جایز شمرده‌اند. درحقیقت در این دیدگاه، اغراق، مخاطب را از واقعیت دور نمیکند؛ بلکه واقعیت را در چشم او بزرگ مینمایاند و شاعر میتواند با مهارت و استعداد و تخیل خود، امری را که محال بوده ممکن جلوه بدهد. به این نکته هم باید توجه داشت که «لاف و گزاف هنری، با خیال و پندار شاعرانه سر و کار دارد. در گزافه‌گویی و بزرگنمایی، گاه گوینده چیزی را ادعا میکند که هم از دیدگاه خرد رویدادنی و شدنی است و هم در آزمونهای زندگی» (راستگو، ۱۳۸۲: ۳۰۳).

اغراق، اغلب در قلمرو هنر شعری قرار دارد. خود شفیعی کدکنی در ارزش اغراق گفته است: «آنچه مسلم است، این است که عنصر اغراق در کنار دیگر صورخیال یکی از نیرومندترین عناصر القاء در اسلوب بیان هنری است» (شفیعی-کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۳۷) بنمایه و ژرف‌ساخت برخی از صنایع ادبی به ویژه تشبیه و استعاره و کنایه به شمار می‌آید؛ چنانکه برخی پژوهشگران معتقدند «اغراق معمولاً نتیجه تشبیه، استعاره و کنایه است و اصولاً تشبیه، مبتنی نوعی اغراق در کیفیت مشبه است» (فشارکی، ۱۳۷۹: ۸۰). شمیسا اغراق را توصیفی میدانند که در آن افراط و تأکید باشد و بر سه نوع است: «بیانی (توصیفی که حاصل تشبیه و استعاره است)؛ حماسی (جزو ماهیت و ذات آثار حماسی و ویژگی قهرمان است)؛ بدیعی (که با صنعتی همراه است یا در آن، لطیفه و نکته و دقیقه‌ای است» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۷۷-۷۸).

آقاحسینی و همتیان به این نکته توجه داشته‌اند که «اغراق برای تأثیر بیشتر بر مخاطب است و این نیز خود نوعی پیامرسانی محسوب میشود که وظیفه مهم زبان ادبی در استفاده از شیوه‌های گوناگون بلاغی به شمار می‌آید» (آقاحسینی و همتیان، ۱۳۹۴: ۲۶۵). تناسب در کاربرد اغراق نیز در واقعیت‌گریزی مهم است. اغراق باید حاصل تخیل شاعرانه باشد «آنچه حد زیبایی یا قابل قبول بودن اغراق را تعیین میکند صرف دوری آن از واقعیت یا نزدیکی آن به واقعیت نیست؛ بلکه زیبایی و تناسب تصویری است که به وسیله اغراق ارائه میشود. چنانچه اغراق نابجا و به دور از تخیل شاعرانه باشد و بر تحرک و پویایی شعر نیفزاید، نه تنها مزیتی به شمار نمی‌رود که باعث انحطاط آن نیز خواهد شد» (غلام، ۱۳۸۰: ۵۳). به غیر از این موارد باید به اهداف و اغراض اغراق در کلام شاعر هم اشاره کرد که مهم‌ترین آن از این قرار است: «بزرگنمایی به منظور تشخص موضوع و مفهوم؛ تأثیر عاطفی بر مخاطب و نفوذ بر زوایا و خفایای ذهن خواننده؛ عادتزدایی و سنت‌شکنی در زبان عادی و تبدیل آن به زبان هنری؛ اعجاب و

حیرت‌انگیزی و جلب توجه مخاطب؛ زیبایی و دلربایی سخن و ایجاد التذاذ هنری در خواننده؛ خیال‌انگیزی و تصویرسازی و گسترش صورخیال و موضوع؛ خلق و آفرینش طنز و تقویت ذهن مخاطب» (اعلا، ۱۴۰۰: ۴۵).

بزرگنمایی در اشعار شفیعی کدکنی

بزرگنمایی در سطح زبانی شعر

سطح زبانی شعر به سه سطح کوچکتر: آوایی، لغوی و نحوی تقسیم شده است. شفیعی کدکنی در سطح نحوی سعی کرده با صفت، قید، شبه جمله در ساختمان جمله بزرگنمایی کند و اندیشه خود را بیان نماید. با این بزرگنمایی، زبان خودکار را به زبان ادبی بدل کرده و به واقعیت‌گریزی رسیده است. البته آمیختگی این سطح با سطح ادبی هم مطرح است به گفته خودش «در مجموع اغراق آرایه یک تصویر است، تصویر در معنی وسیعتر از خیال و ایماژ یعنی بیان یک حالت یا یک وصف اگرچه از شیوه بیان منطقی برخوردار باشد یعنی ارائه مستقیم حالت یا صفتی باشد با این تفاوت که در اغراق آن صفت یا حالت با تصرفی که ذهن گوینده انجام می‌دهد از وضع طبیعی و عادی که دارد تغییر میکند یا کوچکتر میشود یا بزرگتر» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

موارد زیر نمونه‌هایی از بزرگنمایی شعر او در این سطح است

بزرگنمایی با صفتها: موصوف و صفتهای خلّاقانه و متضمن فضای وحشت‌آلود، از شیوه‌هایی است که شفیعی کدکنی برای بزرگنمایی و تأکید به کار گرفته است.

کلمه «انبوه» و «نجومی» در ابیات زیر با توجه به تصویرسازی مبتنی بر ترس و نوع بیان استفهام انکاری، دلالت بر بزرگنمایی دارند. محتوا بیانگر اندوه و ترس و آه شاعر است و این مفهوم را با اغراق در واژه‌ها توصیف کرده است. با تقدم صفت (انبوه) به موصوف (واژه‌ها) و استفاده از صفت «نجومی» برای موصوف «هجوم» که در سطح ادبی، آرایه جناس باهم دارند، بزرگ‌نمایی را به مخاطب القا کرده است:

ترسی فرا گرفت بناگاه/ انبوه واژه‌های مرا آه! / باز این چه بود این وزش شوم/ باز این چسان هجوم نجومی است! /
این خزان روح که دارد می‌غارتد تمامی گلهای باغ را (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۴۹).

در بیت زیر از شعر «زاغان» ترکیب وصفی «انبوه بی‌کرانه اندوه» بزرگنمایی اندوه شاعر است که در اثر مشاهده ظلمها و ظلمتها بر دل شاعر عارض شده، غیرقابل وصف و بزرگ دانسته است:

آنک شب تباهی تاریخ پرگشود/ آنجا نگاه کن/ انبوه بی‌کرانه اندوه/ اوه! (همان: ۴۵).

در بیت زیر نیز واژه انبوه بزرگنمایی در توصیف تنهایی است

امشب درین تنهایی انبوه و این بیداری بی‌برگ / می‌خواهم آن آواز را / یکبار/ تنها بخوانم گرچه باشد از گلوی مرگ (همان: ۵۹)

شفیعی کدکنی توانسته بزرگنمایی سطح نحوی را با سطح ادبی آمیخته کند. بدینگونه اثرگذاری صفاتی که به دلیل کثرت استعمال، بزرگنمایی ندارند، با تعدد زیبایی‌شناختی کلام تقویت میکند. در ابیات زیر صفتهای «جیره‌خوار» و «سیلوار» (که تشبیهی مبتنی بر بزرگنمایی در خود نهفته دارد) برای بزرگنمایی خشم و نفرت به کار برده است. خیل سیلوار صفت اغراق است و واژه‌های اجیران/ جیره‌خوار، رجاله واج‌آرایی دارند.

ای خیل سیلوار اجیران جیره‌خوار! / رجاله‌ها که غیر چریدن ندیده‌ام/ در این چمن بهانه چون و چرایتان/ طوفان نوح دیگر باید که این وطن/ شسته شود ز لگه بود و بقایتان (همان: ۱۰۰).

در ابیات زیر از شعر «یاسا» شاعر شدت اندوه خود با صفت «فرسنگ در فرسنگ» و صفت تشبیهی «دود دیوآسا» و تلمیح به «یاسا»ی چنگیز بزرگنمایی کرده است. این صفات باهم واج‌آرایی در حرف «س» هم دارند. در هر کجای این جهان باشم غمگینم و دلتنگ/ هر جا روم روی سرم چتری است/ فرسنگ در فرسنگ/ چشمم سیاهی می‌رود ز آن دود دیوآسا/ وز هول آن یاسا (همان: ۲۷)

صفت «چه» که به تنهایی القاکننده شگفتی و شکوه و عظمت است، در ابیات زیر از شعر «در زیر آسمان نیشابور» در بزرگنمایی حیرت از زیبایی شهر تکرار کرده است. بیت آرایه تشخیص در وصف درخت دارد و صفت خندان را با تأکید صفت «همه» به کار برده و در سرسبزی و شادابی صفت «چه» را تکرار کرده است. از پنجره به کوچه نظر میکنم / پاییز در راه است/ وینجا درختها همه خندان/ و برگها چه سبز چه شاداب! / یا در تبسمند و یا خواب (همان: ۲۹).

در ابیات زیر نیز با صفت «چه»، شگفتی خود را از عظمت و بزرگی آواز و اندوه بیان کرده است:

بخوان ای مرغ از آن شاخ انبوه سرود عشق را در راه اندوه
چه آوازی چه آوازی چه شیرین! چه اندوهی چه اندوهی چه بشکوه!
(همان: ۲۰۰)

در بیت زیر صفت «همه» بزرگنمایی شاعر در تأکید اندیشه خودش از ادیان است که در هر مصرع تکرار کرده است.

یا همه ادیان عالم باطل است یا همه بر حق و معیارش دل است
(همان: ۱۴۳)

یا در بیت زیر از شعر «سلام ای اقا» صفت «همه» را در هر مصرع تکرار کرده و بدین ترتیب توصیف درخت با بزرگنمایی همراه شده است
گلت ماهت‌گون فشانده به کوچه نور/ همه روشنی و شور/ همه شوکت و حضور / حضوری همه سرور/ سروری چو
کیمیا (همان: ۲۸۰)

در بیت زیر نیز صفت «هیچ» بزرگنمایی است، عبارت «هیچ واژه گویا نیست» تأکیدی است که شاعر در وصف بزرگی جلوه‌های جمال حق آورده است.

به غایتی است در این لحظه جلوه‌های جمال که در نگاشت‌نش هیچ واژه گویا نیست
(شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۲۶۱)

در بیت زیر صفت «هر» را در بزرگنمایی شاعران تکرار کرده است، همچنین صفت «هیچ بند» نیز توصیف آزادی آنهاست

ای شاعران روی زمین زیر آسمان/ ای هرکه هرکه ساکن هر شهر و هر زبان / آنها که بر دهان شما هیچ بند
نیست (همان: ۲۰۸)

صفات تفضیلی نیز در بزرگنمایی شعر او دخیل هستند. از این صفت، شفعی کدکنی برای بزرگنمایی برتری یک مقوله بر مقوله دیگر، استفاده کرده و چیزی را بزرگتر و برتر از آنچه هست، نشان داده است.
در بیت زیر، صفت «روشنترین» برای موصوف «شریعت» به کار برده است:

روشنترین شریعت هستی نظاره کن
زیبایی و حقیقت اندر کنار هم
(همان: ۱۲۵)

بزرگنمایی با قید: قیدها به دلیل بیان کیفیت، ظرفیت مناسبی برای بزرگنمایی محسوب میشوند و اگر شاعر بتواند خلّاقیت و نوآوری خود را به کار گرفته و قیدهایی مناسب و حاکی از بزرگنمایی در کلام خود بیاورد، در این صورت عظمت و شکوه امری به زیبایی در ذهن مخاطب شکل خواهد گرفت. شفيعی کدکنی برای بیان بزرگنمایی، قیدهایی خاص آورده و بزرگنمایی را به ذهن مخاطب القا کرده است؛ در بیت زیر از شعر «طوفان نوح دیگر» در بخش اول شعر، قید «صاف» را برای بزرگنمایی انبوه عاشقان آورده است

برگور عاشقان نه کتیبه است نه گلی / صاف صاف کنار هم / خوابیده اند همدل و همنام (شفيعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۹۸).
در بیت زیر از شعر «غوکنامه» قید «سر تا به سر» و «تمام» که تأکید و تخصیص یک حکم کلی را در ذات خود دارند در کنار هم استفاده کرده و بزرگنمایی هنرمندانه‌ای خلق کرده که حاکی از نارضایتی و بیان نفرت است:
تکرار یک ترانه و یک شوم‌نوحه است سر تا به سر تمام سطور کتابتان
(همان: ۷۱)

گاهی قیدها در ظاهر بیانگر اندازه و مقدار خاصی هستند اما مفهوم ثانوی آنها بیانگر کلیت و جامعیت است و همین امر باعث القای بزرگنمایی به ذهن مخاطب میشود. در ابیات زیر قید زمان «هزار سال» و همچنین قید «فزون» را باهم آورده و در از طریق خلق بزرگنمایی، محدوده زمانی بسیار طولانی و مدیدی را بیان کرده است: عمرم همه صرف شد، خدایا. در چنبر این سخن که آیا حُسن است که عشق را گزیند. یا عشق که حُسن آفریند؟... اینک هزار سال و فزون است / کاماج تیر طعنه و دشنام و طنزهاست (همان: ۹۲).
«هزاران هزار» نیز قیدی است که به دلیل بیان تعدّد چهره‌ها، نوعی بزرگنمایی را در شعر زیر ایجاد کرده است:
با همه این‌ها به یاد آر که گیتی / در دل دیرینگی همواره جوان است / سوی هزاران هزار چهره دیگر / رود زمان نغز و پرسرود روان است (همان: ۱۱۰)

بزرگنمایی با شبه‌جمله: شبه‌جمله‌هایی نظیر خوشا، دردا، حسرتا، بزرگا، شاعرا، آه و وه نیز به فراخور موقعیتی که در آن به کار برده میشوند، در آفرینش بزرگنمایی شفيعی کدکنی تکرار شده‌اند. در ابیات زیر شبه‌جمله‌های «دردا» و «حسرتا» بزرگنمایی درد و اندوه و حسرت شاعر است:

تا چند سال دیگر / دردا و حسرتا / کس را به یاد نیست که خود بود یا نبود (شفيعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۲۳).
در ابیات زیر از شعر «شب دریا» اشتیاق خود در توصیف دریا با تکرار شبه‌جمله «خوشا» بزرگنمایی کرده است خوشا دریا و خشم ناگزیرش / که خصم ار آسمان آرد به زیرش / خوشا موج و خوشا خیزاب و توفان / خوشا رفتن بر این ساحل ، برین شن (همان: ۲۷۱)

در بیت زیر از شعر «پیام» که برای محمد کاظم کاظمی (شاعر افغان) سروده است. با شبه‌جمله «بزرگا» با خطاب قرار دادن شاعر، به تعظیم وی پرداخته و به نوعی بزرگنمایی دست زده است. این نوع بزرگنمایی نیز بسیار هنرمندانه است و شاعر برای اینکه حس احترام و تعظیم را در ذهن مخاطب پرورش دهد، کسی را منادا قرار داده و حرف تعظیم به حرف ندا می‌افزاید:
این نکته را هم باید یادآور شد که

بزرگا شاعرا تا پارسی هست مکان تو به علیین مکین است
(همان: ۲۴۲)

گاه بزرگنمایی در خودِ واژه نهفته است؛ به عنوان مثال واژه‌هایی چون «غرق» ذاتاً این خصلت را دارند و در بافت کلام، نقش مناسب خود را ایفاء میکنند؛ چنانکه در مثالهای پیش رو قابل ملاحظه است:
عرصه میدان پالمر غرق شادیهاست (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۱۲۰).
ذهن میدان غرق شادیهاست (همان: ۱۲۱)
هم روزنامه غرق دروغ و دریدگیست/ هم ماهواره‌های در این بیکرانه رها (همان: ۱۵۹)

بزرگنمایی در سطح ادبی

در سطح ادبی آرایه‌هایی همچون تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه، زیر ساخت تفضیل داشته و حاکی از ترجیح امری به امری دیگر هستند و این نوع بزرگنمایی به دلیل درآمیختگی با صنایع بدیعی، پذیرفتنی و دلنشین است. شفیع کدکنی در شعرش به جنبه‌های بزرگنمایی با آرایه‌های ادبی توجه ویژه دارد و در موارد مختلف استفاده کرده است.

بزرگنمایی با آرایه‌های بیان

تشبیه از آنجا که مرزهای واقعیت و خیال در هم می‌آمیزد و در آن با بزرگنمایی بیان حال مشتبّه مواجه میشویم. در بزرگنمایی مهم است گاه «تشبیه بیان مخیّل حال مشتبّه است و این بیان حال با اغراق همراه است.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۷) شفیع کدکنی از این واقعیت‌گریزی تشبیه در بزرگنمایی استفاده کرده است.
در ابیات زیر از شعر «وصف عاشقان» در وصف ارزشمندی شهید، خون او را به «بذر» و «مرگب سرخ» تشبیه کرده که علاوه بر انتقال حسّی تصویر، بزرگنمایی آن در رویش بذر و ترسیم نقاشی است. در واقع شاعر با انتخاب تشبیه مناسب در ادامه دار بودن یاد و راه شهید تأکید کرده است
همت بلند و / شادی شکفته باد/ اولین کسی تو نیستی/ و آخرین کسی که در وطن/ بذر خون تو به هر کجا که ریخت/ جای رویش سلاله شقایقان شود/ خون تو مرگبی است سرخ/ بهر رسم نقشه میهنی که اندر آن/ حرمت تبار آدمی/ همطراز شهر عاشقان شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۱۲۲-۱۲۳).
در بیت زیر اضافه تشبیهی «جهنم جنون» مبتنی بر بزرگنمایی است، شاعر در وصف بزرگی جنونش آن را به جهنم تشبیه کرده است که بزرگنمایی دارد، همچنین در بیت دوم نیز «خزان حزن و خون» اضافه تشبیهی و بزرگنمایی در وصف اندوه است

نفسی زد اژدهایی و جهنم جنون شد سحری که بود در پی شب انتظار ما را
ز کدام دوزخ این دیو تنوره زد در اینجا که خزان حزن و خون کرد گل و بهار ما را
(همان: ۱۰۴)

در بیت زیر نیز «جهنم غیاب» را آورده است
آه اگر گسسته گردد این / ریسمان نازک عواطفی که هست / میکنیم در جهنم غیاب هرچه خوبی و خدا/ سقوط
(همان: ۱۸۱)

بزرگنمایی با استعاره: اغراق در استعاره نسبت به تشبیه بسیار فراتر است به گفته شمیسا «استعاره مبتنی بر اتحاد است زیرا در آن تناسی تشبیه است و در نتیجه در آن اغراق و تخیل در اوج است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۶۸). شفیعی کدکنی در بحث استعاره در بیان مفاهیم مختلف، بزرگنمایی کرده است.

عبارت «لجنکده» در شعر «غوکنامه» نمودی از بزرگنمایی به کمک استعاره مصرحه است و شاعر برای بزرگنمایی آلودگی و ناپاک بودن مکانی که طرف مقابل به آن دل بسته است. از این استعاره بهره گرفته است، لجنکده استعاره از آبیگری است که غوکان (نماد افراد پست) در آن زندگی میکنند:

این آبیگر گند که آبشخور شماسست وینسان بود به کام ایاب و ذهابتان...
تسیبختان دعای بقای لجنکده است بادا که این دعا نشود مستجابتان
(شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۷۲)

در بیت زیر در بزرگنمایی خزان پاییز، پاییز را با آرایه تشخیص آورده است
پاییز دیگری که خرد را / جاروب میکند/ پاییز دیگری که هنر را / در زیر پای خویش لگدکوب میکند(همان: ۵۰)
کنایه هم ارتباط مستقیمی با بزرگنمایی دارد. در بیت زیر در وصف بزرگی و عظمت خداوند، کنایه «کمر شکافتن کوه» را آورده است:

بر کوه اگر که آمده بودی دمی فرود زان کوه میشکافت به زیبایش کمر
(همان: ۱۴)

بزرگنمایی با آرایه‌های بدیعی

در آرایه‌های بدیعی توجه خاص وی به آرایه تضاد و تکرار است، آوردن دو امر متضاد که در راستای انتقال یک مفهوم واحد باشند، الفاکننده بزرگنمایی است، زیرا ذهن انسان در مواجهه با تضادها دچار هیجان و حیرت شده این شیوه یکی از مهمترین روشهای بزرگنمایی است که منجر به لذت هنری میشود و شفیعی کدکنی از آن در بزرگنمایی مفاهیم مختلف استفاده کرده است.

در بیت زیر در توصیف خوب و بد بودن علم، تقابل «گشودن یک روزنه» و «بستن صدها دریچه» را با تضاد بیان کرده است

علم ار گشود روزنه‌ای را به روی خلق صدها دریچه بست به صدگونه شور و شر
(شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۱۴)

در بیت زیر در بزرگنمایی اندوهش از روزگار، تقابل یک و صد را با مفهوم یک کلاغ و صد زمستان توصیف کرده است:

یک پیر کلاغ صد زمستان آورد وز صد گل سرخ ما بهاری نشکفت!
(همان: ۱۸)

در کنار تضاد، گاه از طریق آوردن دو امر متناقض در یک جمله (سرود کهنه هر لحظه نوتر)، بزرگنمایی هنرمندانه‌ای خلق کرده است که این تعبیر، نشانه تفخیم و تکریم و در نتیجه بزرگنمایی اندیشه شاعر است:

که تا سحرگه / گریه خندان، راه میرفتیم / و آن سرود کهنه هر لحظه نوتر را / یکریز میخواندیم و بازش باز میخواندیم
(همان: ۵۸).

بعد از تضاد، بزرگنمایی با تکرار در شعر او شاخصه سبکی دارد. تکرار در اغلب اوقات نشانه تأکید است و تأکیدی که خصوصاً در متن ادبی، از سطح معمول فراتر رود، دال بر بزرگنمایی است. شفيعی کدکني از قابليت‌های مختلف آن همچون تکرار هجا و واج و واژه، بخوبی استفاده کرده است. در بیت زیر هم برای توصیف و همچنین برای بزرگنمایی غیرممکن بودن رهایی از حصارهای متعدد، پوستها را دو بار تکرار کرده است. شاعر تعبیر پوست بر پوست را در ذهن داشته و به کمک قوه خیال آن را از طریق تشبیه، به پیاز متصل و مرتبط کرده و بدین ترتیب در ترسیم حالت تنگنا از آن بهره جسته است.

همچون پیازی پوستها بر پوستها افسوس بعد از رهایی در حصار دیگری بودیم

(همان: ۶۷)

اوج این شگرد، زمانی است که واژه‌ها بیش از دو بار تکرار میشوند؛ چنانکه در بیت زیر کلمه «باز» چندین بار تکرار شده است و شاعر در اینجا نیز با سه بار تکرار واژه «باز» به کمک تخیلی سودمند، «هنر» را به «سحر» پیوند داده و تأکید بر گشایش دریچه‌های هنر در سحرگاه را از طریق تکرار واژه‌ها بیان کرده است:

اما دریچه‌های هنر جاودانه باز باز است و باز و باز، بر آفاق چون سحر
(همان: ۱۴)

در ابیات زیر نیز واژه «باز» را تکرار کرده است

انسان دوباره، دور ز خوف و خطر کشد / تا باز تا باز تا باز بوته‌های گل سرخ / در این زمین دوباره سر از خاک
برکشد (همان: ۱۷۵)

در ابیات زیر با تکرار واژه‌های «روز» و «سال» ضمن توجه دادن مخاطب به بزرگنمایی در کلام و بیان طولانی بودن گذر ایام از این طریق، به تأثیر آهنگ کلمات نیز توجه داشته است:

روزها و روزهای روز / سالها و سالهای سال / زندگی کردم ولی از دور (همان: ۴۸).

یا در بیت زیر در انتقاد از بی‌کیفیتی در نماز خواندن گفته است

سالها و سالها و سالهاست / ما نماز خویش را / خوانده‌ایم / روی تار عنکبوت (همان: ۱۸۰)

در ابیات زیر می‌خواهد از فضایی تیره‌وتار و اندوهبار سخن بگوید و مجال برای تصریح وجود ندارد به ناچار با توسل به نماد و تکرار آن، انبوهی و عظمت اندوه را با تکرار واژه «زاغان» در اول مصراعها بزرگنمایی کرده است.

زاغان به روی دهکده، زاغان به روی شهر / زاغان به روی مزرعه، زاغان به روی باغ / زاغان به روی پنجره، زاغان به روی ماه / زاغان به روی آینه‌ها / آه! (همان: ۴۶).

در آمیختگی بزرگنمایی در سطح ادبی و لغوی، گاه تلفیق صورت گرفته است، شفيعی کدکني گاه بزرگنمایی معمول را برای تأکید بیشتر یک مفهوم، ناکافی پنداشته و با بهره‌گیری از سایر ظرفیتهای زبان، عالیترین وجه بزرگنمایی را از طریق تلفیق عناصر مختلف از جمله ترکیبات دستوری غیرمعمول و توجه‌برانگیز خلق میکند.

در بیت زیر، واژه «فزون» تداعیگر بزرگنمایی در توصیف درخت رهایی است؛ در عین حال صفت تفضیلی «تر» بدان اضافه شده و با سه بار تکرار، بزرگنمایی به نهایت ظرفیت خود رسیده است:

درخت رهایی / که با ضربت تیشه و تیغ و خنجر / شود ریشه و شاخ و برگش / فزونتر فزونتر فزونتر (همان: ۱۳۲)

در بیت زیر بزرگنمایی با واژه «بسیار» با تکرار «بسیار مردمان» و صفت «چه» آمده است.

در عصر ما چنان شده کاینک/ بسیار مردمان و چه بسیار مردمان/ باور نمیکنند که چیزی در آن بلند/ بتوان شناخت اکنون با نام آسمان (همان: ۱۸۵)

در بیت زیر بزرگنمایی با «هرکجا»، «هرجهت» و قید «یکریز» آمده است. شفیعی کدکنی در این شعر/ اندوه خود را توصیف کرده است و در وصف آن از صدای قور و قور غوکان در آبیگر سخن گفته است که هیچ چیزی نیست جز این صدا. برای اینکه تأکید کند فقط این صدا می‌آید از عبارتهای هرکجا، هرجهت، یکریز، یک صدا، تکرار و قور و قور و قور استفاده کرده است.

در آبیگر غوکان/ از هرکجا که گوش سپاری و هر جهت/ بر بستری که شنبه و آدینه‌اش یکی است/ یکریز یک صداست که تکرار میشود/ تکرار بخشنامه‌ای قور و قور و قور/ از شامگاه تا به سحرگاه (همان: ۳۵).

در ابیات زیر تمام عناصر مرتبط با بزرگنمایی را کنار هم گنجانده است؛ تا جایی که وزن شعر نیز به نحو نامحسوسی در رهیافت به این زمینه مؤثر افتاده است:

از این دور/ از این دور/ در این عصر نفسگیر نشابور/ که ابرش زده هاشور/ ببینید ببینید/ هزاران گله انبوه غرابان/ ز هر سوی شتابان/ زده خیمه بر آرامگه خرم خیام/ پر و بال همه/ پاره‌ای از یک شب دیجور (همان: ۱۵).

نتیجه‌گیری

شفیعی کدکنی از شاعران برجسته معاصر است که واقعیت‌گریزی با بزرگنمایی در اشعار او قابل بیان است. در این مقاله در سطح زبانی و ادبی با ذکر نمونه‌هایی از اشعار، بزرگنمایی در شعر او مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد، شفیعی کدکنی با تکرار انواع واژه‌ها، تکرار صفات، قیدها و شبه‌جمله در سطح زبانی و کاربرد اغراق‌آمیز واژه‌ها در سطح ادبی در آرایه‌های تشبیه، استعاره، تشخیص، کنایه، تضاد، تناقض، تکرار توانسته در بازگویی اندیشه خود بزرگنمایی نماید. این بزرگنمایی در موارد مختلف با تلفیق و تراجم آرایه‌ها صورت گرفته و شاعر در توصیف پدیده‌ها و اشخاص، وصف اندوه، انتقاد از مسائل اجتماعی و موضوعات مختلف دیگر بزرگنمایی کرده است. عنصر اصلی بزرگنمایی در شعر او با پایه تکرار صورت گرفته است که در سطح زبانی با تکرار صفت، قید و شبه جمله در طول بیت است و گاهی نیز مفهوم بزرگنمایی در خود واژه نهفته است که در شعر او بسامد سبکی دارد. در سطح ادبی بر پایه مفهوم تفضیلی تشبیه و استعاره و تقابلی که در آرایه تضاد و تناقض وجود دارد بزرگنمایی کرده است. اما در هر دو سطح آمیختگی آرایه‌ها باهم دیده میشود و میتوان گفت شفیعی کدکنی از قابلیت‌های مختلف سطح زبانی و بلاغی در جهت بزرگنمایی استفاده کرده است و بدین ترتیب به واقعیت‌گریزی دست یافته است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد استخراج شده است. جناب آقای دکتر قربانعلی ابراهیمی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای علی سلیمانی کوچانی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر مرتضی رشیدی آشجردی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Agha Hosseini, Hossein, Hematian, Mehbobeh (2014) An Analytical Look at the Science of Speech, Tehran: Samit
- Aala, Mohsen (2021) "Mixing exaggeration with other literary tricks", Persian Language and Literature Development Journal, Vol. 132: pp. 42-48
- Izadi, Soheila, (2013) "Investigation of the process of realism in automatic Persian language", collection of articles of Allameh Tabatabai University, No. 331: pp. 180-165
- Rastgo, Mohammad (2003) The Art of Speaking, Tehran: Samt
- Rouhani, Masoud and Enayati, Mohammad (2008) "Examination of deviance from norms in the poetry of Shafi'i Kodkani (M. Sarshak)", Journal of Erfani Literature Researches, Vol. 3, No. 3, pp. 63-90
- Shafii Kadkani, Mohammadreza, (2019) A child named Shadi, Tehran: Sokhn
- Shafiei-Kadkani, Mohammad Reza (2010) Sorkhayal in Persian poetry, Tehran: Aghaz
- Shamisa, Siros (1992) A new look at Badie, Tehran: Ferdous
- Shamisa, Siros (2002) Bayan, Tehran: Ferdous
- Safavi, Koresh, (2014) from linguistics to literature (poetry), Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Art
- Kazzazi, Mirjalaluddin (2012) Aesthetics of Parsi speech, Badie, Tehran: Madad affiliated with the center publishing.
- Gholam, Mohammad (2001) Persian Art and Literature, Tehran: Research and Planning Organization
- fosharaki, Mohammad (2000) Badi Naqd, Tehran: Samt
- Mubarak, Vahid, Heydarnaseb, Farhanaz (2010) Sorkhayal in the poetry of Shafi'i Kadkani, Nameh Parsi, Sham 54: pp: 120-96
- Mirsadeghi, Maimant, (1997) Dictionary of poetic art, Tehran: Mahnaz book
- Vahidian Kamiyar, Taqi (2006) Badieh, Tehran: Samt
- Yousefi, Mohammadreza and Bakhtiari, Maryam (2017) "Hafez's art in drawing the ups and downs of verses based on the element of contrast", Shaerpazohi magazine, vol. 33, pp. 163-188

فهرست منابع فارسی

- آقاحسینی، حسین، همتیان، محبوبه (۱۳۹۴) نگاهی تحلیلی به علم بیان، تهران: سمت
- اعلا، محسن (۱۴۰۰) «درآمیختن اغراق با ترفندهای دیگر ادبی»، نشریه رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۱۳۲: صص ۴۲-۴۸
- ایزدی، سهیلا، (۱۳۹۳) «بررسی فرایند واقعیت‌گریزی در زبان خودکار فارسی»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۳۳۱: صص ۱۶۵-۱۸۰

- راستگو، محمد (۱۳۸۲) هنر سخن‌آرایی، تهران: سمت
- روحانی، مسعود و عنایتی، محمد (۱۳۸۸) «بررسی هنجارگریزی در شعر شفیعی کدکنی (م.سرشک)»، نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی، ۳۵، ش ۳، صص ۶۳-۹۰
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۹) طفلی به نام شادی، تهران: سخن
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰) صورخیال در شعر فارسی، تهران: آگاه
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۱) نگاهی تازه به بدیع، تهران: فردوس
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) بیان، تهران: فردوس
- صفوی، کورش، (۱۳۹۴) از زبان‌شناسی به ادبیات (شعر)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۱) زیبایی‌شناسی سخن پارسی، بدیع، تهران: ماد وابسته به نشر مرکز
- غلام، محمد (۱۳۸۰) هنر و ادب فارسی، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی
- فشارکی، محمد (۱۳۷۹) نقد بدیع، تهران: سمت
- مبارک، وحید، حیدرنسب، فرحناز (۱۳۸۹) صورخیال در شعر شفیعی کدکنی، نامه پارسی، شم ۵۴، صص: ۹۶ - ۱۲۰
- میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۶) واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: کتاب مهناز
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۵) بدیع، تهران: سمت
- یوسفی، محمدرضا و بختیاری، مریم (۱۳۹۶) «هنر حافظ در ترسیم فراز و فرود ابیات بر پایه عنصر تقابل»، نشریه شعرپژوهی، ش ۳۳، صص ۱۶۳-۱۸۸

معرفی نویسندگان

علی سلیمانی کوجانی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

(Email: ali.soleimani.6565@gmail.com)

قربانعلی ابراهیمی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

(نویسنده مسئول: (Email: Gh.ebrahimi@phu.iaun.ac.ir)

مرتضی رشیدی آشجردی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

(Email: mortezarashidi51@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Ali Soleimani Kojani: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

(Email: ali.soleimani.6565@gmail.com)

Ghorbanali Ebrahimi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

(Email: Gh.ebrahimi@phu.iaun.ac.ir : Responsible author)

Morteza Rashidi Ashjardi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

(Email: mortezarashidi51@yahoo.com)